امت مستضعفین

الحمدلله رب المستضعفین

شنبه ۵ خرداد ماه ۱۳۵۸
شماره ۲
تکشماره ۱۰ ریال

ارگان عقیدتی ـ سیاسی سازمان رزمندگان پیشگام مستضعفین ایران

نشانی : میدان امام حسین (فوزیه) پاساژ شهرام ، طبقه چهارم تلفن ۷۶۰۶۶۳

مقولات فلسفی ـ مذهبی

رابطه مذهب با ارگانهای زیربنایی اجتماع

تمام پدیده‌های هستی اعم از طبیعی یا اجتماعی در یک رابطه ارگانیکی (۱) بصورت یک مجموعه متحرکی شکل یافته‌اند (۲)

---

(۱) ـ برای روشن شدن مفهوم ارگانیکی این واژه را در قیاس با واژه رابطه مکانیکی مطرح میکنیم : قبل از اسلام نظر فلاسفه و علما درباره هستی عبارت بوده است از اینکه هستی با صورت عظیم خود مانند ماشینی است که اجزاء تکوینی آن مثل پیچ و مهره و . . . در رابطه با ماشین دارای ارزش است وگرنه خود بالاستقلال فاقد ارزشند ، روی همین جهت چنین نگرشی را در رابطه با طبیعت نگرش مکانیکی میگویند یعنی پدیده‌ها فقط در رابطه با هستی دارای ارزشند . اما اسلام که تمام حرکات خود را در رابطه با اصل توحید تحلیل وبررسی میکند (توحید در اسلام بعنوان جهان بینی است) و بیان توحید مطابق آنچه که در متن آمده بیان اتصال تمام پدیده‌ها وبیانگر جاندار بودن همه هستی میباشد ، که این چنین پیوند را پیوند ارگانیکی مینامند که مبتنی بر این اصل است که جهان مانند یک ماشین نیست ، که پدیده های تکوینی آن چون ابزار ماشین فقط در رابطه با حرکت ماشین دارای ارزش باشند ، بلکه چون بدن یک انسان است که سلولهای آن علاوه بر اینکه در رابطه با حرکت انسان دارای ارزشند خود بالاستقلال هم دارای ارزش وحیات میباشند و بیان اصل ارگانیک در رابطه با پدیده‌های هستی در شکل علمی آن بصورت کلاسیک توسط هگل که در شکل دیالکتیک پدیده‌های هستی مطرح کرد بیان شد که البته خود هگل مدعی است که این بیان در گذشته در میان فلاسفه قبل از خود مطرح بود . اما این قضاوت شماست که تقدم و تأخر آن را در رابطه با قرآن دریابید .

(۲) بیان این مقصود را میتوان در قرآن در آیه ۸۳ سوره آل عمران *افغیر دین الله یبغون وله اسلم من فی السموات و الارض*

بقیه در صفحه ۲

چگونگی پیدایش مستضعفین از دیدگاه قرآن

بقیه از درس اول

ان فرعون علا فی الارض وجعل اهلها شیعا یستضعف طائفة منهم یذبح ابناء هم و یستحیی نساء هم انه کان من المفسدین ـ فرعون در زمین (مصر) بهبرتری جوئی برخاسته و مردم آنجا را بچندین گروه اجتماعی تقسیم کرده یکی از آن گروهها را بحال خواری و محرومیت درآورده ، تضعیف کرده ،جوانان آنها را سرمیبرد وزنان را از برای خدمتگذاری زنده نگهمیدارد ، بیگمان او از تبهکاران است .

(۱) ـ علو در زمین کنایه از سلطه‌گری و ظلم و ستم گری است .

(۲) ـ کلمه شیع ـ جمع شیعه بمعنای فرقه فرقه است .

(۳) ـ یستحیی از استحیاء است بمعنای زنده نگهداشتن و نکشتن برای خدمتگذاری .

اولین نکته‌ای که در بیان آیه مطرح میشود تقدم رتبطی سلطه‌گری در رابطه تکوینی با زیر سلطه میباشد . که این بیان در صورت فرعون که تجلی روح سلطه‌جوئی در حرکت انسانها نسبت به توده‌ها در رابطه با تقسیم توده‌ها به سلطه‌گر و زیر سلطه میباشد طرح شده است .

بقیه در صفحه ۴

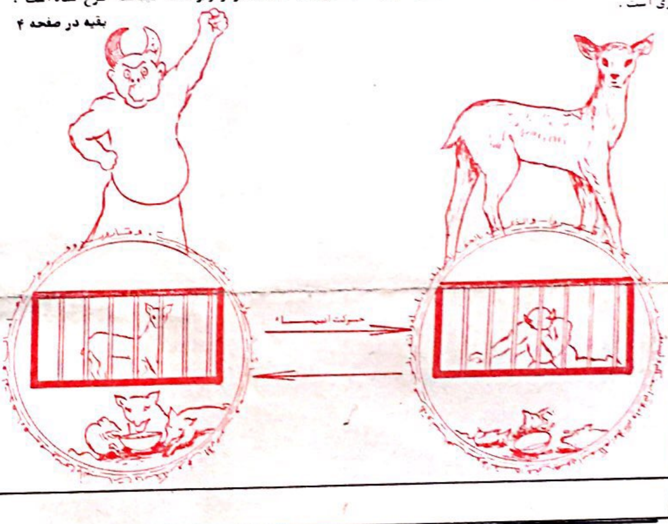

اساسنامه

"الحمدلله رب المستضعفین"
(حمد از آن خداوندی که پروردگار مستضعفین است)

سازمان رزمندگان پیشگام مستضعفین ایران از تابستان ۱۳۵۵ کار خود را برطبق ، اساسنامه زیر شروع کرد .

با توجه به مشخصات حرکت جمعی ـ توحیدی که عبارتست از مسیر (امت وسط) ،هدف (رسول الله) ،غایت (الله) . (۱) سازمان با توجه بصورت توحیدی آن باید در برگیرنده این سه مشخصه باشد .

۱ـ سازمان دارای یک مسیر حرکتی (امت خیر ـ خیرامه) (۲) جهت تحقق مسیر حقیقی (امت وسط) میباشد که در سه مرحله " اعتقادی ـ سیاسی ـ نظامی " صورت می‌پذیرد .

۲ـ هدف (مطابق تجلی عینی جامعه رسول الله) (۳) ایجاد جامعه‌ای است که مستضعفین بتوانند رهبریت آن را پس از قطع تمام ریشه‌های سلطه‌جوئی بعهده گیرند . (۴)

۳ـ غایت حرکت سازمان ، تکامل در یک حرکت همیشگی است که بسوی الله پیش میرود . (۵)

با توجه به مشخصات فوق ،سازمان موضعگیری خود را جهت رسیدن به هدف و غایت حرکتی خود در رابطه با مسائل اقتصادی ، سیاسی ،نظامی و فرهنگی در اشکال زیر مشخص میکند

الف ـ اقتصادی : لغو همه رابطه هائی که مبتنی بر سلطه‌گری و سلطه پذیری فردی و اجتماعی است و ایجاد جامعه‌ای که شاخصهای برتری در آن جامعه مبتنی بر تقوی و علم وجهاد (۶) باشد . که این منظور در صورتهای زیر تحقق میپذیرد .

۱ـ دولتی شدن بانکها ولغو ربا . و کار بانکها در این شرائط عبارتست از ممانعت از تکاثر پول در جامعه تا زمانیکه حرکت اقتصادی جامعه مبتنی بر پول باشد . اما در یک حرکت دراز مدت باید اقتصاد پولی جای خود را با موازنه های توحیدی عوض نماید (۷) .

۲ـ دولتی شدن کارخانه‌های خصوصی و از بین بردن سرمایه داری در جامعه . (۸)

۳ـ دولتی شدن معادن ومنابع و مصرف آنها در صنایع ملی اززمانیکه جامعه به خودکفایی تکنولوژیک برسد (۹) .

۴ـ مکانیزه کردن کشاورزی و ریشه کن کردن فئودالهای زمین خوار وابسته به دستگاه و ایجاد شرکتهای زراعی دولتی وبالاخره در یک حرکت دراز مدت دولتی شدن کشاورزی .

تبصره : واژه دولتی در بندهای فوق بیانگر نماینده الله در زمین است که از طرف مردم انتخاب میشود و برطبق دستورات الهی عمل میکند . و تا زمانیکه مردم همگی به درجه اجتهاد عقلی و عملی نرسیده‌اند از جانب " الله " رهبری مردم را در زمین بعهده میگیرد .

۵ـ عدم وابستگی یکطرفه اقتصاد داخلی به اقتصاد خارجی که این عمل از طریق تقویت تولیدات داخلی صورت میگیرد .

۶ـ عدم وابستگی واحد پول به دلار یا هر واحد پولی کشورهای استعمارگر جهت ممانعت از انتقال تورم از کشورهای استعمارگر به کشورهای استعمارزده ، تا زمانیکه حرکت اقتصاد داخلی مبتنی بر پول باشد .

ب . سیاسی : ۱ـ ایجاد رابطه با کشورهای سلطه‌گر شرق وغرب بر طبق اصل موازنه منفی (۱۰)

۲ـ پشتیبانی از نیروهای مبارز جهان که دارای هدف و غایت مشترک با سازمان باشند . (۱۱)

۳ـ عدم شرکت در معاهده های بین المللی (اقتصادی ـ سیاسی) که باعث مهره شدن در دست سیاستهای بین المللی میشود .

بقیه در صفحه ۳

سخنی با خواننده

جمعی میخواهیم که از هرگونه تبلیغی از سازمان که باعث ایجاد آن گرایشات کورکورانه درمیان مردم بشود بپرهیزند . و بهمین ترتیب از تمام رزمندگان مردمی میخواهیم که در این امر ما را یاری کرده و از هرگونه تبلیغی که باعث ایجاد آن گرایشات کورکورانه درمیان مردم بشود بپرهیزند ، زیرا مشک آن است که خود ببوید ، نه آن است که عطار بگوید . بهمین جهت بعنوان یک تقاضای برادرانه از تمام سازمان‌های اسلامی مدعی حرکت اعتقادی ـ سیاسی ـ نظامی میخواهیم که درد حقیقی مردم را که عبارت از عدم دارا بودن بینش اعتقادی ـ سیاسی است درک کرده وبجای یک سلسله آرم بازیها واسلحه باز و بسته کردنها و مقلد بازیهای کورکورانه ، به علاج این درد از طریق مکتبی بپردازند و گرنه اگر چند صباحی بتوان مردم را توسط این اعمال بدنبال خویش کشید ،سرانجام خود آگاهی ایشان روزی آنان را نسبت باعمال ما بقضاوت وادار خواهد ساخت .

۱ـ هدف از اعلام موجودیت سازمان بیان وجود یک سازمان در ردیف سازمانهای قبلی نیست تا توسط این عمل شماره دیگری بر تعداد سازمانهای اعلام موجودیت کرده قبلی بیفزائیم . بلکه تنها عاملیکه ما را وادار بظاهر کردن حرکتمان در این مرحله از زمان نمود . فقط و فقط درک یک خلاء سازمانی که بتواند توسط حرکت خویش مسئولیت رشد آگاهی اعتقادی ـ سیاسی مردم را برعهده گیرد میباشد .این مطلب دلالت بر کم بهادادن بهارزش سازمانهای دیگر نمی‌کند، زیرا سازمانهائی که تاکنون اعلام موجودیت کرده‌اند بدو دسته تقسیم میشوند .

دسته اول عبارتند از سازمانهائی که اختلاف عقیدتی با مردم دارند و در نتیجه تلاش عقیدتی آنها ارمغانی از برای مردم ، اینکه مردم را به یک موضع دفاعی برای حفظ مذهب سنتی خویش واداشته ، نیاورده .

دسته دوم سازمانهائی هستند که معتقد به هم عقیده بودن با مردم میباشند و این سازمانها یا برادعای خود یا در پی تحقیقات اعتقادی جهت رشد رهآوردهای سازمانی خویش اند . و یا اینکه سازمانهائی هستند که علاوه براینکه حرکت آنها رهآورد اعتقادی ـ سیاسی از برای مردم نداشته خود مدعی اند که میخواهند حرکت اعتقادی ـ سیاسی را در سطح سازمان خویش آغاز کنند . بنابراین در رابطه با همین موضوع است این خلاء حرکتی را احساس نموده و وظیفه اسلامی ـ انسانی خویش دیدیم که با اندک رهآورد خویش که زائیده ۲/۵ سال کار اعتقادی ـ سیاسی در سطح سازمان بوده ،برای مقابله با این خلاء تصمیم بهشروع حرکت خود در سطح همگانی بگیریم ، روی همین جهت تمام امید ما بر اینست که این اندک رهآورد ما مرهمی باشد بر زخم همگان . و بهمین جهت از هرگونه تبلیغاتی که باعث گرایش کورکورانه مردم بشود دوری میکنیم و اکنون اعلام مینمائیم و از تمام وسائل ارتباط

۲ ـ اساسنامه و مرامنامه سازمان همانطورکه در متن اصلی آن ذکر شده ، نمودار شکل تلاش یک سال ونیم سازمان است که مرامنامه آن در سال ۱۳۵۶ تدوین یافته و با توجه به شرایط زمانی ـ اجتماعی تدوین آن که کشور ما تحت سایه سیاه اختناق آمیز پلیس شاه نفسهای آخرین حیات خویش را میکشید ، ارزش تدوین آن روشن میشود و نشر آن در این شرایط زمانی فقط بخاطر عرضه طریقه تلاش یکسال ونیم سازمان در رابطه با قدرت وحشتناک پلیس میباشد تا شاید تحفه‌ای باشد از برای مردم که توسط آن بتوانند با توجه بآن دوران اختناق که حتی راه رفتن در

ـ بقیه در صفحه ۳ ـ

سیر پیدایش مستضعفین در صحنه تاریخ

بقیه از درس اول

نتایج حاصله از جنگ : ۱ـ مهمترین نتیجه جنگ را میتوان انعقاد معاهده ورسای (اصلی پاریس) که با کارگردانی ویلسون رئیس جمهور وقت امریکا بسته شد دانست ، چرا که این قرار داد خود نطفه جنگ دیگری را که ۲۰ سال بعد رخ داد در بطن خود نهفته داشت . آری کینه و خشم همراه با غرور آلمانها نسبت به از دست دادن مستملکات ، محدودیت تسلیحاتی که برای آنان درنظر گرفته شده بود ، خفت وخواری ناشی از شکست جنگ و آزردگی روح جریحه‌دار آنان با شکست و رکود اقتصادی ناشی از تحمیل غرامت کمرشکن جنگ (۶۶۰۰۰۰۰۰۰۰ لیره استرلینگ) . . . همه وهمه آثار شومی بود که راهی جز جنگ دوم بین الملل را پیش پای آلمانها نمی‌گذاشت و وقوع جنگ دوم را اجتناب ناپذیر میکرد . (البته عوامل دیگری در جنگ دوم نقش اصلی را داشته‌اند که بجای خود اشاره خواهیم کرد) .

۲ ـ از نتایج خوب جنگ این بود که شمشیرهای برکشیده شده از قدرتهای استعماری برروی یکدیگر قبل از هر چیز بر فرق توده‌های استعمار زده فرود آمد که ضمن وارد ساختن ضربات مهلک بر پیکر نحیفشان بذر خود آگاهی را در منشان کشت و بخودشان آورد تا که زنجیرهای استعمار و استضعاف را بگسلند و خلعت استقلال بتن کنند . این امر مهم را که میتوان محرک بیدار گر شرق نامیدش ، علاوه زمینه فراهم شده در معاهده صلح پاریس مبنی بر حق خودمختاری ملل ،موجب رشد جنبشهای ناسیونالیستی گردید ، بگونه‌ای که جنبشهای ناسیونالیستی در شرق با تلاشهای مجاهدت آمیز وجسورانه خود جهت کسب آزادی و استقلال میرفت تا که این عقیده را پیروز گرداند که طبیعتا " میتواند با لیبرالیسم ودموکراسی همگام باشد .

۳ ـ در رابطه با بیداری شرق بود که سوسیالیسم شوروی درمقابل سرمایه‌داری اروپا و امریکا در اثنای جنگ توانست تثبیت و تحکیم شود که خود عامل پیدائی مسائل و کشمکشها و رقابتهای جدیدی در صحنه سیاست بین دو مکتب سوسیالیسم وکاپیتالیسم شد و عاملی اساسی در تصمیم گیریهای اروپا و امریکا بحساب می‌آمد . و این مربوط به دوران تکوین قدرت در شوروی نیست چرا که در دوران تکوین و تمرکز قدرت در شوروی ،این کشور حتی از شرکت در انعقاد پیمان صلح خودداری کرد و در صحنه سیاست جهانی ظاهر

بقیه در صفحه ۳

رابطه مذهب باارگانهای زیربنایی اجتماع

وتنها عامل ارتباط دهندهٔ تمام‌پدیده‌ها هستی (عبارت) از خصوصیت تحرکی (۳) آن پدیده‌ها میباشد که این تحرک عبارت‌است از زوال و حدوثهای مستمری که مبتنی بر تبدل قوه (۴) به فعل تحت یک جهت با مشخص بودن غایت (۵) شکل می‌یابد. دینامیسم این حرکت که هم فازی (۶) تمام

بقیه از صفحه ۱

پدیده‌های هستی رامطرح میسازد مبتنی بریک سلسله اصول ثابتی (۷) است که‌حرکت درکادر این اصول‌ثابت شکل می‌یابد وکلا" دینامیسم اصلی تمام پدیده‌ها مبتنی براین حرکت میباشد ،کهاصول ثابت زیربنائی این حرکت در یک دیدکلی برای تمام این پدیده‌های متحرک یکسان میباشد و تنوع پدیده‌هادرشکل‌ظاهری‌دردیدگاه‌ما که زیربنای‌تکوینی جهان بینی مارامیسازدبستگی به‌تغییراصول ثابت زیربنائی‌ندارد، بلکه‌بستگی به‌تعداد حرکتها (۸) دربرخورد با یکدیگردارد؟ که‌منجربه‌تعددتجلی دردیدگاه‌ما میشود. یعنی‌زیربنای‌حرکتی تمام پدیده‌های هستی مبتنی بریک سلسله اصول ثابت است که‌این اصول ثابت‌سازنده‌کادر حرکتی از برای‌تمام پدیده‌ها میباشد ،وکیفیت‌تجلی شیئی دردیدگاه ما (که‌سازنده‌جهان بینی‌ماست) (۹) دررابطه‌باشکل‌بخشیدن به‌حرکت‌در ذهن ما می‌باشدکه زائیده‌برخورد تعدد حرکتها با آن زیر بنای‌ثابت میباشدکه‌تعیین کننده‌کادر ازبرای‌این‌حرکت است. مکتبهائی که‌پیدایش آنها در یک تقسیم‌بندی کلی مبتنی بر این نوع نگرش جهان‌بینی درپدیده‌ها میباشد (همانطورکه مطرح‌شد این تنوع زائیده تعدد حرکتی در رابطه با آن اصول ثابت حرکتی که ایجاد کار از برای تحرک آن‌پدیده‌های متحرک میکندبوجودآمده‌اند) همه‌آنها که مدعی مبتنی بودن جهان بینی‌شان برعلم‌هستند در این مسئله‌اشتراک عقیده دارند، خواه‌آنان که‌مدعی عدم‌وجود اصول ثابت در هستی‌میباشند (مارکسیستها) و خواه آنان که مدعی وجود اصول ثابت در هستی هستند ،همگی دراین مسئله‌متفق‌القولند (۱۰) (خود آگاه‌یاناخودآگاه) که‌زیربنای تحرک پدیده‌ها در عالم‌متحرک هستی مبتنی بریک‌سلسله اصول ثابت است که اگر مابتوانیم نسبت‌باین اصول ثابت‌آگاهی پیدا کنیم‌میتوانیم درپیشبرد تغییر در طبیعت که از خصوصیات بارز انسانی است. شتاب زایدالوصفی ایجاد نمائیم. با توجه بآنچه که در باب تنوع پدیده‌هادر رابطه باارتباط تعددحرکتی درتجلی آن‌پدیده‌ها باشکال نمود (۱۱) یا نمودارهائی که ایجادکننده زیر بنای تکوینی‌جهان بینی ما هستند، برای‌بررسی تنوع‌پدیده‌هااعم ازطبیعی یا اجتماعی که زائیده تعدد حرکتهای ایجادکننده آن پدیده میباشد، در صورت کلی از جامدات تا گیاهان از گیاهان تا حیوانات و از حیوانات‌تا انسان ،میبایست این اختلاف نمودها را مبتنی بر همان تعدد حرکتی دانست که آن تعددمبتنی‌براصول ثابت‌است و وجه‌ممیزه‌نمودی پدیده‌ها در اشکال مختلف جامدی یا گیاهی یا جانوری و انسانی زائیده‌پیچیده‌شدن‌دینامیسم‌تکوینی این‌موجودات دررابطهٔ با تعدد حرکتی آنهاست. که این پیچیدگی صورتی است که ازشکل دانی تاعالی که‌عبارت‌است از موجودات غیرجاندار تا انسان‌باتوجه‌بآن اصول ثابت حرکتی که ایجادکننده کادر حرکتی تمام‌این تحرکات که در شکل نمودهای مختلف‌تجلی میابندمیباشدو زیربنای متنوع‌موجودات را میبایست مبتنی برپیچیدگی‌دینامیسم‌تکوینی آنها که‌در رابطه‌با تعددحرکتی شکل‌میابددانست. این‌فرمول (یعنی‌ارتباط دینامیسم‌مختلف موجودات متنوع هستی در رابطه با تعددحرکتی) که فقط تا مرحله‌اجتماع‌انسانها ادامه دارد ،اما ازبدوشروع ادامه‌حرکت درشکل اجتماع‌انسانی فرمول فوق یک‌تحول حدیدی‌میپذیرد و آن اینکه استواربودن آن فرمول‌بر تعدد حرکت‌در کادر اصول ثابت‌حرکتی‌تمام‌پدیده‌های‌هستی دراین صورت‌حدید، علاوه‌برآن عوامل عامل‌حدیدی وارد عمل شده و بدینامیسم حرکتی‌یک‌شکل جدیدی می‌بخشدکه آن عامل عبارت است از اراده که‌بعد دوم شخصیتی اجتماع انسانی در حرکتی هم‌فاز بادیگرپدیده‌های‌هستی میباشدکه‌این اراده‌زائیده‌خصوصیات ممیزه پدیده‌انسانی است که عبارت است از موجود خودآگاه انتخاب‌کنندهٔ‌آفریننده. روی همین جهت با مطرح شدن‌این بعدحرکتی جدید ،تحول عظیمی در دینامیسم تحرکی‌پدیده اجتماع انسانی حاصل میشود. این بعد جدید پروسه‌قبلی حرکت‌را که‌مبتنی برجبر حرکتی بطرف تکامل در جهت‌غایت مشخص بود در انتخاب هدف تغییر داده و با توجه به این اصل (انتخاب) در پروسه انحطاطی یا تکاملی که مبتنی بر بعددوم شخصیت احتماع یعنی اراده انسانهای ایجادکننده آن اجتماع‌میباشدبشکل میابد. بنابراین‌درمی‌یابیم که‌پروسه کلی‌تحرکی این‌پدیده (اجتماع انسانی) دریک‌رابطهٔ دوسوئی که‌یکی‌مبتنی‌برجبراست‌و آن‌هم‌فازی‌با حرکت دیگرپدیده‌های هستی است ،ودوم‌اختیاری است‌که مبتنی براراده‌انسانهائی سازندهٔ‌آن اجتماع میباشد. بنابراین شکل اعتدالی تحرکی این پدیده دو بعدی (اجتماع‌انسانی) با دیگرپدیده‌های متحرک هستی زمانی عملی است که بتوان بر طبق آن اصول ثابت زیربنای هستی ایجاد اعتدال در میان دوبعد جبری و اختیاری‌شخصیت اجتماع نمود. اگر این اعتدال تحرکی‌بین دو بعد تکوینی شخصیت اجتماع صورت نگیرد، بر اثر غلبه شدن بعداراده که‌جهت‌این بعد مبتنی بر انتخاب‌انسانهائی انتخابگر آفریننده میباشد میتواند سیر تکاملی یا انحطاطی داشته باشد، که سیر تکاملی آن زمانی است که اراده مبتنی برکادر زیربنائی اصول ثابت تحرکی باشد و سیر انحطاطی هنگامیست که انتخاب، شکل خودسرانه بخود گیرد و شروع برشد کردن نماید وایجادغلبه بربعد اول شخصیت‌اجتماعی بنماید ،درنتیجه آن اعتدال اجتماعی را که در نتیجه‌وجود موازنه‌منفی در رابطه با دو بعد تکوینی اجتماع بوجود آمده برهم خواهد زد و اجتماع را بسیر انحطاطی میکشاند که در این پروسه حرکت، یک حرکت پرشتابی است بطرف‌انحطاط که‌اگر توسط عواملی از رشداین حرکت جلوگیری نشود ،ممکن است که این حرکت جامعه را بسقوط بکشاند روی همین‌جهت تنها راه رشد اجتماع باید توسط‌ایجاد اعتدال در رابطه با دو بعد تکوینی شخصیت اجتماع صورت گیردکه این عمل همانطور که مطرح شد تنها در کادر آن اصل ثابت در رابطه با اراده‌انسانی شکل می‌یابد و از اینجاست که بنقش مذهب و لزوم آن برای ایجاداین اعتدال حرکتی بین ابعاد دوگانه شخصیت‌اجتماعی برای جهت بخشیدن در یک پروسه‌تکاملی پی خواهیم برد.

ادامه‌دارد

بقیه پاورقی

طوعا" وکرها والیه‌یرجعون) که باتوجه باین‌آیه‌نکات زیرروشن میشود:

الف ـ با بیان فی‌السموات والارض زمین‌وآسمان‌رامظروف قرارداده‌از برای بیان منظور خویش که توسط این مظروف‌ما در می‌یابیم که‌رابطه‌ارگانیکی بین‌پدیده‌های‌هستی برقرارمی‌باشد، درقرآن همیشه‌پدیده‌های کلی هستی‌رابا بیان سموات‌والارض مطرح میکند.

ب ـ بیان‌اسلم‌دلالت برحالت کلی حرکتی‌تمام محتوی مظروف را که با بیان فی‌السموات
مظروف را که با بیان فی‌السموات والارض مطرح شده‌میرساند که جهت‌حرکتی تمام‌پدیده‌های‌هستی‌اعم‌ازطبیعی یااجتماعی یا از روی جبر و یا از روی اختیار یکسان می‌باشد.

ج ـ له‌مشخص کننده غایت از برای حرکت میباشد

د ـ الیه‌راجعون هدف‌ازتکامل حرکتی‌پدیده‌ها رامطرح میکند و آیات دیگری در قرآن که دلالت میکند برحرکت‌کلی تمام پدیده‌ها، آیاتی است که مشتق‌از سبح میباشد، مثل سوره‌جمعه‌آیه اول، *یسبح‌لله* ـ که بابیان فعل مضارع یسبح حرکت پدیده‌ها را بصورتیکه قانون کلی مطرح میکند که‌یسبح بمعنای‌شناورمیباشد ـ الله‌که دردنباله یسبح آمده بیانگوی جهت حرکتی میباشد.

مافی السموات ومافی الارض که‌در ادامه بیان آیه‌آمده است دلالت برهمگانی بودن حرکت مینماید. (۳) اشاره به همان آیاتی است که مثلا "بیان شدکه آن آیات با بیان فعل مضارع‌یسبح که ازسبح‌بمعنای شنا کردن، می‌آید شروع‌میشود، که یسبح‌را قبل از مظروف *فی‌السموات و الارض* مطرح نموده و گفتیم‌یسبح بیان تحرکی رامیرساندکه‌بابیان فعل‌مضارع‌بشکل یک‌اصل بیان شده‌است وبا توجه بارتباط ما قبل بودن‌نسبت به مظروف مافی‌السموات والارض که مظروف کلی از برای‌تمام پدیده‌های هستی است این حقیقت روشن میشود که رابطه ارگانیکی تمام پدیده‌های هستی مبتنی برحرکت است. (۴). اشاره‌به‌بیان ملاصدرا است در تعریف حرکت جوهری که‌برای اولین‌باراواین‌حرکت‌راکه‌عبارت‌ازتحرک‌ذاتی تمام‌پدیده‌های هستی در یک رابطه ارگانیکی است از قرآن دریافت. البته اگر چه‌خود درمقدمهٔ برفلسفه‌حرکت‌جوهری‌در اسفار مینویسد معتقداست‌که‌قبل از اوفلاسفه‌دیگری هم‌معتقد بحرکت‌جوهری بودماند، ولی میبایست ملاصدرا را اولین انسانی دانست‌که توانست شاهکار فلسفه جوهری را با توجه به تئوریهای‌قرآنی دریابد. او مدعی است‌که فلسفه‌خود را از قرآن ازآیات‌سوره نمل‌آیه۸۸، *وتری الجبال* ... ـ ق‌آیه۱۵، *بل هم فی‌لبس من خلق جدید* .... ـ ابراهیم۴۸، *یوم تبدل الارض غیر الارض* ... ـ واقعه آیه ۶۱، *علی‌ان نبدل امثالکم* ... ـ دریافته است.

ملاصدرا در تعریفی که‌ازحرکت میکند میگوید الحرکه والزمان من الامور ضعیف الوجود التی وجودها بشایک‌عدمها فعلیها تقارن قولها حدوثها عین‌زوالها ... که مطابق این بیان، تعریف حرکت از دیدگاه ملاصدرا عبارت است اززوال و حدوثهای مستمر با تبدل قوه به به فعل.

(۵) ـ که این بیان علاوه براینکه درآیاتی که اشاره به حرکت در پدیده‌های هستی دارد غایت حرکت را نیز که عبارت از الله می‌باشد در دنباله حرکت مطرح نموده است. مثل یسبح‌لله ،مثال‌فوق که‌الله‌مطرح‌کننده‌غایت حرکت‌می‌باشد، ملاصدرا هم‌در بیان فلسفه حرکت جوهری خود با استفاده‌از آیه۲۹ سوره الرحمن یسئله من *فی السموات* ... که با توجه به بیان *مافی السموات والارض* که مظروف واقع شده دلالت برتمام پدیده‌های هستی میکند غایت حرکتی را با بیان کل یوم هوفی‌شان مطرح مینماید، غایت حرکتی را در شکل‌زوال و حدوثهای مستمر مطرح نموده که بطرف خداکه خلقت رادر هرلحظه‌بازوالهای نوبنو و حدوثهای‌نوبنو ودرصورت‌بفعلیت درآوردن شکلهای بالقوه آن میباشد مطرح مینماید.

۶ ـ اشاره بهمان آیات قرآن است که با بیان مظروفه السموات‌والارض حقیقت‌همگانی پدیده‌ها رادرکاروان تحرکی مطرح مینماید.

۷ ـ اشاره‌به بیان سنت‌الله است که درقرآن دلالت‌بر یک سلسله اصول ثابت حاکم بر دینامیسم تحرکی پدیده‌ها مینماید. سوره روم آیه۳۰، *فاقم وجهک للدین حنیفا* ... ـ احزاب ۶۲، ولن‌تجد .... ـ فاطر۴۳، فلن تجد ... ـ فاطر ۴۳، ولن تجد .... ـ غافر ۸۵، *سنت‌الله* ... ـ فتح۲۳، *سنت‌الله* ... ـ فتح ۲۳، ولن‌تجدلسنته‌الله ... که با توجه باین‌آیات قرآن اصول ثابت حاکم برپدیده‌های هستی‌را در صورت سنت‌الله مطرح مینماید و رابطه دین با سنت‌الله در قرآن ـ دین عبارت است از مجموعه اصول‌ثابت اجتماعی‌که مبتنی‌براصول ثابت (سنت‌الله) حاکم‌برتمام‌پدیده‌های‌هستی میباشدکه‌این اصول ثابت میتواند جامعه منحرف شده ازشکل اعتدال رادر صورت مطابقت از آن اصول بشکل اعتدالی باز گرداند (دررابطه با این مسئله آیه۸۳ آل عمران موردبررسی قرار گیردکه ما قبلا" و بعدا" هم‌در متن و هم در پاورقی‌مورد بررسی قرار دادیم) باید یادآوری کرد که در تعریف این که دین عبارت است از مجموعه اصول ثابت اجتماعی که مبتنی بر اصول ثابت حاکم بر تمام پدیده‌های هستی است، بدین معنی نیست‌که‌دین شکل پویائی ندارد. بلکه همان قبول‌شکل پویائی قرآن‌که مبتنی بر سه اصل ۱ ـ اجتهاد، ۲ ـ هجرت، ۳ـ امر به معروف و نهی از منکر است. که اجتهاد آن مبتنی بر چهار اصل، ۱ـ علم ۲ـ قرآن، ۳ـ سنت رسول‌الله ۴ ـ اجماع. ۱ ـ علم (السباء، ویری‌الذین... ـ نباء۴و۵، *کلاسیعلمون*، ثم‌کلاسیعلمون) ۲ـ قرآن، بقره۲ ـ *لک‌الکتاب* ـ بقره۲۱۳ ـ کان *الناس*... ـ نحل۸۹... وروایتی که‌منقول‌است‌ازرسول‌الله‌اذالتبست علیکم‌الفتن‌تفضع‌اللیل‌مظلم‌وعلیکم‌بالقرآن... ـ اناجائکم‌عنی حدیث فعرضوه‌علی‌کتاب‌الله‌فما‌وقفه فاقبلوه وماخالفه فقربوه علی‌الجدار... ـ

۳ ـ سنت‌رسول‌الله ـ احزاب ۲۱، *ولقدکان‌لکم‌فی‌رسول‌الله*.. ـ بقره۱۴۳، و قلون *الرسول* علیکم *شهیدا* ...

۴ ـ اجماع ـ آل عمران۱۵۹، و شاورهم *فی‌الامر*، شورا۳۸ ـ *وامرهم‌شورا* بینهم

(۸) ـ این‌مطلب امروز از نظر علم جدید هم باثبات رسیده که علت تنوع اشیاء و موجودات زائیده تنوع و تعدد حرکتی‌است‌که‌این تعددزائیده‌عدم‌هم‌فازی فرکانسهای‌تحرکی میباشد. برای بررسی بیشتر این موضوع به کتاب دو فیلسوف شرق و غرب نوشته حسنعلی راشدرجوع کنید.

(۹) اشاره به تعریف جهان بینی است که عبارت‌است از انعکاس جهان در دیدگاه ما که با توجه باین تعریف‌جهان بینی شکل توصیفی‌بخود میگیرد، یعنی جهان بینی هرشخص عبارت‌است ازتوصیفهائی که آن شخص درنگرش خویش‌نسبت به پدیده‌های هستی‌در رابطه با آن پدیده‌ها مطرح میکند.

(۱۰) اشاره به نظریه مارکسیستهاست که بر طبق‌اصول

بقیه از پاورقی

دیالکتیک‌عمل مینمایند ومدعی‌هستندکه در هستی هیچ چیز ثابت‌وجود نداردو حتی خود همین مطلب که در هستی هیچ چیز ثابت وجود ندارد دائما" در حال تغییر است ،اگر با یک دید واقع‌گرایانه باین بیان آنها توجه کنیم آیا این مدعیان ماتریالیست غرق در ایده‌آلیست نیستند که مدعی‌اند که‌زیر بنای مکتب آنها چهار اصل است، وآیا تاکنون در یکی از کتابهای‌مارکسیستها‌دیده‌اید که این اصول تغییر کند وخدای ناخواسته‌اگر کسی باین فکر هم بیفتد با برچسب‌های تکفیری امپرتونیستی و رویزیونیستی آنها را طرد و منکوب میکنند. آیاهمین جمله که‌درجهان‌هیچ چیز ثابت وجود ندارد وحتی خود همین قانون هم تغییر میکند که انگلس زیاد آنرا مطرح کرده و پس از او پیروانش که‌عبارتند از طرفداران مارکسیسم دولتی تکرارکرده‌اند ،مثل‌پولیتسر ،اگرآنرا در فرمول‌حرکت سه‌مرحله‌ای ازدیدگاه دیالکتیکسین‌ها بگذاریم ، آنتی تزآن نمیشود. درجهان اصول ثابت‌وجود دارد وخوداینهم‌ثابت است. قضاوت باخواننده.

(۱۱) ـ که این دوواژه در بیان قرآن‌بصورت واژه‌آیه مطرح شده است، یعنی آیه هم دلالت برنمود میکند و هم دلالت برنمودار، هم دلالت برواقعیتها میکندو هم دلالت به حقیقتها، هم‌دلالت‌برماده میکند و هم دلالت بروجود، هم دلالت‌برماتریالیست‌بودن میکندو هم‌دلالت بررئالیست بودن.

نگاهی بشماره قبل

مطلب زیر مربوط به قسمت اول سیر پیدایش مستضعفین در صحنه تاریخ است.

درمورد این جمله " به اینتها رسیدن ظرفیت سلطه‌جو از دوشیدن تحت سلطه" که از کتاب اقتصاد توحیدی آقای بنی‌صدر اقتباس شده است ،توضیح‌اصلاحی زیر لازم است:

اینکه آقای بنی‌صدر گفته‌اند ظرفیت سلطه‌جو محدود به حد و حدودی است با فزونخواهی و تکاثرطلبی‌ذاتی لایتناهی انسان سازگار نیست. در این مورد بایستی گفت‌که تراکم و تمرکز قدرت در کانونهای قدرت وقتیکه بدرجه‌ای‌از رشد و تکامل رسید که هرکدام نیاز به منطقه تحت سلطهٔ بیشتری‌داشتند ،توازن‌قدرت‌بینشان بهم‌میخورد وتضادشان نمود پیدا می‌کند و نتیجتا" وسیله جنگ یا وسیله دیگری مرزبندیها و تقسیم بندیهای قبلی مناطق تحت سلطه تغییر پیدامیکند. ظهور تضادبین ابرقدرتها و تقسیم مجددمناطق تحت سلطه بین سلطه گران ناشی از تکاثرطلبی لایتناهی سلطه‌گران قدرتمند است.

بقیه در صفحه ۳

شکل هندسی صفحه ۳.

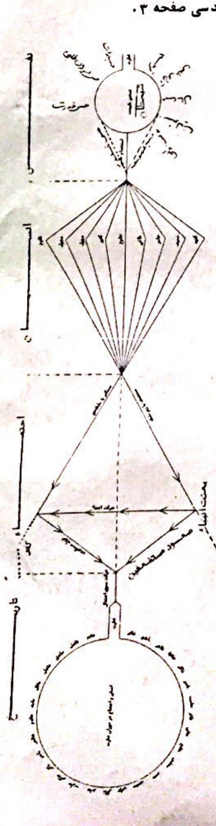

سیر پیدایش مستضعفین در صحنه تاریخ

بقیه از صفحه۱

نمی‌گشت لیکن بعد از تکوین قدرت وسررسیدن مرحله ظهور و شکوفائی قدرت و حضور در صحنه‌سیاست استعماری جهانی بود که‌به‌عنوان یکرقیب ،امریکا و اروپا را به وحشت انداخت و اینجاست که به این نتیجه می‌رسیم‌کهازبطن‌جنگ،استعمارگر بالقوه‌ای که‌در دراز مدت پا به عرصه‌سیاست استعماری‌بین‌المللی گذاشت ، زائیده شد .

۴ ـ رشد سریع اقتصادی ـ صنعتی‌امریکا از مهمترین نتایج جنگ بود ، چرا که عواید او از جنگ‌بیشتر ازحد‌تصور‌کشورهای درگیر جنگ‌بود ،بگونه‌ای که‌بعد از جنگ‌بر‌اقتصاد‌اروپا که قبلا" در انحصار انگلیس بود سلطه پیدا کرد واین درسایه وامهای کلانی بود که در اثنای جنگ‌به انگلیس و فرانسه‌و ایتالیا قرض داده بود و نیز اقساط وامی که به‌آلمان میپرداخت‌تا که‌غرامت جنگی را بپردازد . این رشد اقتصادی و تمرکز سرمایه در ایالات‌متحده‌بحدی‌خود‌امریکا را‌تبدیل‌به‌بانکدار حقیقی‌جهان کرده‌بود (امریکا قبل از جنگ ۳ میلیارددلار به‌کشورهای دیگر مقروض بود ــ درحالیکه در‌سال ۱۹۲۶میزان‌مطالباتش‌به ۲۵میلیارد دلار میرسید) که خود نتایج شومی را دربرداشت‌که‌ضرورتا" آن را تبدیل به یک قدرت سلطه جو و استعمارگر با شیوه‌های‌جدید‌میکرد .مسئله‌ای که‌در اینجامطرح‌است این‌است که مشاهده می‌کنیم که قدرت استعماری بالفعلی با شیوه‌های جدید استعماری قدم به عرصه استعمار‌خلقهای‌محروم گذاشته است ، چرا که در همان حال می‌بینیم که سرمایه متمرکز شده در‌امریکا‌باجارا "بسوی امریکای لاتین درز پیدا کرده‌و درزمینه استعمار واستثمار‌خلق‌آن‌منطقه اشتغال‌ورزیده است که مفصلا" در‌تشریح استعمار جدید‌بررسی خواهد شد .آثار دیگر جنگ‌در این ناحیه را میتوان‌واردشدن نظامیان در دایره قدرت ، در نتیجه" راه‌یابی‌ژنرالها‌به‌صحنه سیاست امریکا که البته در جنگ دوم جهانی بماوج خود رسید و نیز رشد تسلیحاتی‌ونظامی‌جهت‌بدست آوردن مناطق‌جدید استعماری وحفظ‌وحراست دست‌آوردهای جنگ و نیز‌جذب سرمایه توسط صنایع نظامی نام‌برد .

۵ ـ پیدایش دموکراسی در‌اروپاکه خودآگاهی‌اجتماعی ملل‌جنگ زده اروپا ظهوررشد آن را ایجاب میکرد (که تا حدودی میتوان ظهور آن رادر رابطه‌با‌تابعیت ازرشدسوسیالیسم انگلستان)که‌البته‌تاحدی‌میتوان عامل استقلال مستعمرات‌غرب نیز بحساب آوردش ـ از همه مهمتر اینکه این دموکراسی در ایتالیاو بالاخره در آلمان‌زیاد دوامی‌نیاورد‌بطوریکه در۱۹۲۲ فاشیسم که‌دیکتاتوری علنی‌بی چون و چراست در ایتالیا بر دموکراسی غلبه‌کرد‌تا زمان جنگ دوم وبعداز آن‌در آلمان‌بوقوع پیوست که البته دست امریکا و غرب در ظهور آن بی‌اثرنبوده است .

۶ ـ جذب وتقویت آلمان توسط امریکا وانگلیس‌با‌امید اینکه سدی‌در‌مقابل‌توسعه‌سوسیالیسم شوروی باشد ، و بدلیل اینکه مرکزی‌جهت‌جذب سرمایه‌امریکا باشد .بررسی علل وانگیزه‌های دنباله جنگ و نتایج حاصل از آن‌جلوه‌های دیگری از استعمار واستعمارگر ومستعمره رابرایمان روشن ساخت ،چرا که دریافتیم که علت العلل جنگ بین‌الملل اول‌استعمار و درجه‌ای ازقدرت استعمارگران است که‌تضادهای فی‌مابین‌ابرقدرتهای استعمارگر راعینی میکند که‌ضرورتا" جنگ اجتناب‌ناپذیر میشود‌و ازطرف دیگر جنگ زمینه‌های تغییرو تحول در زندگی و سرنوشت استعمارزدگان‌مستضعف‌رافراهم می‌کندو‌در‌خودآگاهی‌اجتماعی‌شان موثر است ،نظیر آنچه که درروسیه‌وسایرکشورهای‌استقلال یافته‌بعدازجنگ‌پیش‌آمد .وازهمه مهمتراینکه‌جنگ‌بعضی‌ازقدرتهای استعماری‌راضعیف ومجال‌عرض اندام‌به‌استعمارگرجدیدمیدهد. نظیر پیدایش استعمارگر امریکا ویادردرازمدت استعمارگرروسیه شوروی‌و این خودمستلزم تغییر شیوه‌های‌استعماری‌است‌کمااینکه امریکاوهنگامیکه‌قدرت استعماریش نسبت تدریجی که‌دراستعمار جدید (امپریالیسم) بررسی خواهدشد تغییر چهره داده و چهره‌ای نامرئی بخود گرفت و شیوه‌هائی‌از استعمارگرانی‌نظیر اسپانیا و انگلیس و پرتغال و فرانسه و ... بدست آورده و شروع به غارتگری خلقهای محروم‌کرد که‌شناخت این امر وتغییروتحول‌در شیوه" دوشیدن توده‌های محروم ضروری ترین امر در مبارزه استعمار زده با استعمارگر است ، و همچنین پیدایش استعمارگرشرق (روسیه شوروی)که‌در نتیجه سنگردفاع از حقوق‌زحمتکشان و کارگران و ایدئولوژی انقلابی مارکسیست لیننیستی‌اش‌قدم به‌عرصه چپاول بین‌المللی گذاشت ، و بدیهی است‌که‌ما‌شاهد‌شیوه استعماری استعمارگر منبع از ایدئولوژی انقلابی‌،برای خلقهای محروم جهان مشکل‌تراست .

پایان قسمت اول

اساسنامه

بقیه از صفحه۱

ج‌ـ نظامی : ۱ـ ایجاد یک ارتش مستقل که فقط قدرت دفاعی داشته باشد برای حفاظت ازمرزهای کشور .

۲ـ خروج ازاتحادیه‌های نظامی که باعث مهره شدن در دست سیاستهای بین‌المللی میشود .

۳ـ متکی کردن‌قدرت نظامی‌برپایه یک حرکت‌اعتقادی ـ سیاسی ـ نظامی توحیدی .

۴ـ آمادگی تمام مردم بعنوان نیروهای پشتیبان برای آمادگی دفاع در حملات احتمالی .

ح‌ـ فرهنگی : ۱ـ بسط فرهنگ ولغوبی سوادی در سطح توده (۱۳) .

۲ـ لغومحتویات فرهنگی استعماری

۳ـ باتوجه به اینکه فرهنگ عبارت است از تجلی حرکت اجتماع بازیربنای تاریخی ـ اجتماعی سیاسی و با توجه به حرکت اسلام در یک تاریخ ۱۳۰۰ ساله در تکوین این ابعاد فرهنگی درایران . بنابراین متکی کردن فرهنگ بر اساس ایدئولوژی اسلامی که بنیانگذار حرکتهای تاریخی ـ سیاسی واجتماعی‌ایران‌می‌باشدعامل‌تقویت‌فرهنگ‌ایران‌میشود .

سخنی با خواننده

بقیه از صفحه۱

حیاباتپاسخ و مشکل بودآزادی امروز راارج‌بنهند وبدانند که این آزادی فقط زائیده یک سال مبارزه مردمی تنها نبوده بلکه‌حاصل تلاشهای‌آزادیخواهانه‌ رزمندگانی درطول‌تاریخ‌بوده که‌حسرت‌دیدن‌این‌روزها‌دردل‌آنهاماند ورخ درخاک‌کشیدند، باشد که با آگاهی باین حقیقت ملت ما بتوانائی پاسداری‌آنرا بدست آورد .

۳ ـ آرمان‌مستضعفین ارگان‌اعتقادی ـ سیاسی سازمان شکل کامل حرکت اعتقادی ـ سیاسی سازمان نیست .بلکه درسهای‌برگزیده‌ای ازآن است‌که‌هم خصوصیت همگانی داشته باشد و هم ایجادکننده زمینه اولیه در میان افرادی است که در صورتیکه خواهان شرکت در حرکت سازمان باشند بتوانند آمادگی‌های اولیه را کسب کنند . روی همین جهت از تمام رزمندگان اسلامی و انسانی تقاضا داریم که باین مطالب در شکل یک سلسله تئوریهای ذهن گرایانه ننگرند ، بلکه‌آنرا حاصل تلاش انسانهائی بدانند که در عصر سیاه استبداد ـ استعمار سعی دراین داشتند که بتوانند توسط این تئوریهای پی‌جوئی روزنه‌ای‌کنندتا‌شایدبتوانند توسط‌این روزنه فردای مردم خویش را دریابند .

تقاضای دیگرما اینست که این نوشته‌ها را که درصورت دروس مطرح میشود بشکل کلاس از برای افرادی که توانائی کشش‌آنرا دارند درآورند و درضمن مطرح شدن اگر انتقادی است که ما با اشتیاق تمام آمادگی پذیرش آن انتقادات را داریم امید است‌که انتقادات‌منصفانه شما چراغ راهی ازبرای حرکت ما باشد .

۴ ـ همانطور که در اساسنامه مطرح شده هدف سازمان بانجام‌اراده" (۱) خداوند دراجتماع‌است‌که آن اراده‌عبارت است از تحقق امامت و وراثت مستضعفین درزمین . روی‌همین جهت تا زمانیکه این اراده تحقق پیدا نکند سازمان مطابق فلسفه‌حرکتی خودکه‌دراساسنامه‌مطرح‌شده بحرکت سه‌مرحله‌ای اعتقادی ـ سیاسی ـ نظامی خویش ادامه میدهد و در این زمان نسبت‌بدو مرحله اعتقادی ـ سیاسی مطابق آنچه که در بندهای قبل مطرح شد سعی در همگانی کردن آن دارد ، اما در بُعد نظامی فقط برنامه‌آماده‌سازی برای اعضاء سازمان در نظر دارد .بهمین جهت‌اعلام موجودیت سازمان توسط ارگان عقیدتی ـ سیاسی سازمان بیانگر این مسئله‌نیست که سازمان کار خودرا علنی کرده .بلکه بیانگر این است‌که‌حرکت سازمان بشکل یک‌حرکت‌دوبعدی‌ظاهری ومخفی‌درآمده که بعدظاهری آن توسط ارگان که در رابطه با کادر مرکزی سازمان است میباشد ، اما بعد مخفی سازمان‌که‌عضو گیری و رشدسازمان بر اساس مرامنامه جدید سازمان‌است همچنان ادامه پیدا میکند

۵ ـ عدم موافقت سازمان در امر تبلیغ توسط دسته یا با گروهی دلالت بر مخالف یا موافق بودن سازمان در رابطه با موضع گیری خویش ندارد ، بلکه هدف اینست که سازمان بتواند در شکل‌سنجش بازتابهای حرکتی خویش رشد خود را دریابد .

۶ ـ سازمان‌در موضع گیری‌خویش همانطور که در برابر حرکت‌فرصت‌طلبانه‌نه چپ موضع افشاگری در پیش میگیرد در برابرحرکت‌فرصت‌طلبانه‌راست‌هم بهیچجه سکوت‌اختیار نخواهد کردبلکه‌بهمان‌طریق‌بافشاگری‌میپردازد ،که افشاگری سازمان از طریق ارگان ونشریات‌وابسته‌صورت‌میگیرد .

۷ ـ سازمان میکوشدتابهر طریق ممکن که در توانائی خویش‌می‌بیند ،نسبت‌به‌سازمانها باگروهها‌و دسته‌های‌دیگری که‌دارای‌اهداف مشترک با سازمان باشند ، چهاز طریق ارگان ونشریات‌وابسته‌وچه‌ازطرق‌دیگرازکمک‌آنها دریغ نورزد .

۸ ـ حرکت‌سازمان در راه‌همکاری وهمگانی کردن‌حرکت خود فقط محدود بداخل کشور نمی‌باشد ، بلکه همانطور که بیان‌فلسفه‌حرکتی‌سازمان‌هم‌دراساسنامه و هم‌درآرم‌نامه مطرح شده است ، سازمان معتقد باصل همگانی کردن مبارزه خویش درسطح زمین است ، در رابطه با این عقیده سازمان مایل به همکاری‌با ایرانیان‌خارج‌از کشور‌بخصوص دانشجویان‌درصورتی که خواهان همکاری و همگامی باشند میباشد .

۹ ـ سازمان سعی دارد که درحرکت خویش‌طریقه حنفا را انتخاب‌نموده که‌خصوصیت‌آن حفظ عدم وابستگی خویش است .

۱۰ ـ باتوجه باینکه سازمان در انتخاب اعضاء خویش همانطور که در مرامنامه قدیم هم مطرح شده برطبق‌حرکت‌سه مرحله‌ای‌دررابطه باشناخت استعدادهای‌عقیدتی ـ سیاسی‌ـ نظامی افراد عمل میکندکه ارزشهای این سه مرحله ازدیدگاه سازمان عبارت است از : ۱ ـ عقیده ، که سازمان در رابطه‌با انتخاب‌افرادبرای‌عضوگیری ارزشی مساوی با دو برابر مجموع ارزشهای‌سیاسی ـ نظامی‌قائل‌است .۲ ـ سیاسی ـ که سازمان ارزشی برابرارزش نظامی‌ازبرای‌آن‌قائل است . افرادیکه مایل به‌شرکت درحرکت سازمان باشند میتوانند از طریق ارتباط با مرکز ارگان که تلفن و آدرس‌آن درارگان درج شده‌آمادگی خودرا اعلام دارند که‌در صورت دارا بودن خصوصیات مطرح شده در مرامنامه جدید سازمان با آن شخص رفتار میشود .

۱۱ ـ افرادمیتوانند سئوالات‌وپیشنهادات‌و انتقادات خودرااز‌طریق‌ارتباط‌بامرکزارگان‌حضوری‌یاتلفنی‌با ما در میان بگذارند .سئوالات‌آنها درصورتیکه‌دارای‌ارزش مطرح‌کردن از برای همگان‌باشد درقسمت‌پرسش‌وپاسخ‌ارگان‌ونشریات‌وابسته درجمیگردد‌وانتقادات‌افراد‌درصورتیکه شکل منصفانه مکتبی داشته‌باشد‌قبول‌گشته‌وقول‌کاربرد‌آنها درعمل‌داده‌میشود .

۱۲ ـ گروههای مختلف مستضعفین میتوانند توسط ارتباط‌با ارگان خواسته‌های‌خویش را با ما درمیان بگذارند ، درصورتیکه کاری‌ازما ساخته‌باشد ازکمک بآنها دریغ‌نخواهیم کرد .

باشد که بتوانیم با همکاری شما سنگی را از پیش پای مستضعفین‌جهت‌رسیدن‌بمقام‌امامت و وراثت‌بر زمین که‌تحقق اراده‌خداوندماست‌برداریم و در این‌راه‌بعداز خداتنها امید ما به پشتیبانی مستضعفین است .

---

(۱) ـ ونریدان‌نمن‌علی‌الذین‌استضعفوافی‌الارض‌ونجعلهم‌ائمه ونجعلهم الوارثین . (قصص۵) وخواهیم منت‌نهیم‌برآنانکه‌ناتوان گرفته‌شدند در زمین و بگردانیمشان‌پیشوایانی وبگردانیمشان ارث برندگان .

وخواهیم منت نهیم برآنانکه ناتوان گرفته شدند درزمین ، وبگردانیمشان پیشوایان و بگردانیمشان ارث برندگان . که توجه به‌آیه وارث شدن مستضعفین را پس‌از ائمه شدن آنها برزمین مطرح میکند .

یعنی مستضعفین می‌باید ابتدا به مقام امامت جامعه برسند و سپس وارث برزمین‌شوند که‌امام شدن مستضعفین درزمین لازمه دفع شاخصهای طاغوتی است .

(۵) ـ یاایهاالانسان انک کادح الی ربک‌کدحا "فملاقیه . (انشقاق ۶)ـ ای‌انسان همانا توئی‌تلاش‌کننده‌سوی‌پروردگار خویش تلاشی را ، تا ملاقات کنی ـ که با توجه به آیه ، الی مشخص کننده‌جهت‌حرکت "غایتی" است‌وآیه بیان گوی یک حرکت غایت داراست که غایت آن الله می‌باشدوهمیشه سیر تکاملی دارد .

(۶) ـ یاایهاالناس اناخلقناکم من ذکر وانثی وجعلناکم شعوبا "وقبائل‌لتعارفوان‌اکرمکم‌عندالله‌اتقیکم‌ان‌الله‌علیهم خبیر . (ای‌مردم (حجرت۱۳) آفریدیم شما را از مردو زن ، و گردانیدیم شما را شاخه هائی‌و تیره‌هائی تاشناسا شوید ، همانا گرامی ترین شما نزد خدا پرهیزکار ترین شما است ، همانا خداست دانای آگاه ـ که دراین آیه یکی از ملاکها ی برتری را تقوا می‌داند .

قل هل یستوی الذین‌یعلمون والذین لایعلمون انما‌یتذکر او لوالالباب(الزمر۹) (بگوآیایکسانندآنانکه میدانندوآنانکه نمی‌دانند ، جز این نیست که یادآور میشوند خردمندان ـ که ملاک دوم برتری انسانها را علم می‌داند .

لایستوی القاعدون‌من‌المومنین‌غیراولی‌الضررو المجاهدون فی سبیل الله باموالهم‌وانفسهم فضل الله المجاهدین با موالهم و انفسهم علی‌القاعدین درجه وکلا وعدالله‌الحسنی وفضل الله‌المجاهدین‌علی‌القاعدین اجرا "عظیما (نساء۹۵)ـ یکسان نیستند نشستگان از مومنان ، که نه مرد رنج‌و باکوشش گران درراه‌خدا بمالها‌وجانهای خویش ،برتری‌داده است‌خدا در رتبه کوشش کنندگان را بمالها وجانهای‌خودبر بازنشستگان‌وهرکدام‌را‌نوید‌نکوئی‌داده‌است‌و فزونی‌داده خدا پیکارکنندگان رابرخانه نشینان بپاداشتی گران ـ که یکی دیگر از ملاکهای برتری‌رامجاهدت‌در راه‌خدامی‌داند .

(۷)و (۸) الهیکم‌التکاثر (سوره‌التکاثرآیه‌اول) ـ بفریفت شمارافزونی‌جستن‌که‌توجه‌به‌آیه‌اصل عدم تکاثررا مطرح‌می‌کند .

الذی‌جمع‌مالا "وعدده (سوره‌الهمزه‌ـ آیه۲)ـ آنکه‌گردآورد مالی‌راوشمردش‌اصل‌عدم‌تکاثررا‌مطرح‌می‌کند .

یاایهاالذین امنوان کثیرا " من الاحبارو الرهبان لیاکلون اموال الناس بالباطل ویصدون‌عن‌سبیل‌الله والذین‌یکنزون الذهب والفضه ولاینفقونها فی سبیل الله‌فبشرهم بعذاب الیم . (سوره‌توبه ـ آیه۳۴) ـ

ای‌کسانیکه‌ایمان‌آورده‌اید‌همانا‌تعداد‌زیادی‌ازاحبارورهبان میخورند اموال مردم را بناحق و سدمی‌کنندراه خدا را ، و آنانکه میاندوزند زروسیم را ونمیدهند آن رادرراه خدا ، نویدشان ده بعذابی دردناک ـ که اصل عدم تکاثر را مطرح می‌کند .

(۹) اشاره به‌حدیث پیامبراست‌که می‌فرماید مردم درسه چیز مشترکند ـ آب ـ آتش(که منابع آتش زامثل نفت و گاز ، ذغال سنگ ودیگرمنابع را شامل میشود) و مراتع .

والارض وضعهاللانام (سوره‌الرحمن ـ آیه۱۰) ـ وزمین‌را بنهادش برای‌جهانیان‌که‌توجه‌به‌آیه‌به‌عمومیت‌زمین را از برای تمام‌مردم‌مطرح‌می‌کند .

وسخرلکم مافی السموات‌ومافی‌الارض جمعیا " منه‌ان فی ذلک لایات لقومه یتفکرون (سوره‌الجاثیه‌ـ آیه۱۳) ـ ورام کردبرای‌شماآنچه‌که‌درآسمانهاوآنچه درزمین‌است همگی از آن‌اواست ،همانادراین‌است آیتهائی‌برای گروهی کماندیشه کنند ـ که عمومیت‌وهمگانی‌بودن‌تمام‌منابع‌ارضی‌وسمائی را مطرح می‌کند .

(۱۰) خطبه ۱۶ نهج‌البلاغه ـ الیمین و الشمال مضله و طریق الوسطی هی الجاده ـ که توجه‌بیمین وشمال ووسطی " اصل عدم موازنه وجودی یابعبارت‌دیگر ایجاد موازنه‌منفی که اولین باردر تاریخ سیاسی ـ اجتماعی ایران توسط مدرس مطرح شد بیان می‌کند .

اللهنور السموات والارض مثل نوره کمشکوه فیها مصباح المصباح‌فی‌زجاجه‌الزجاجه‌کانهاکوکب دری‌یوقد‌من‌شجره‌مبارکه زیتونه لاشرقیه ولاغربیه ـ خداست نورآسمانها و زمین ، مثل‌نوراومانند‌قندیلی‌است‌که‌درآنست‌چراغی‌که‌چراغ‌است‌در بلوری آن بلور مانند ستاره است درخشان که افروخته شود ازدرخت خجسته زیتونی ، نه خاوری ونه باختری‌که آیه‌بیان گوی عدم اتکابه شرق و غرب در رابطه باحقیقت‌الله‌رامطرح می‌کند .

(۱۱) ـ اشاره به‌روایت‌کونولظالمه خصما " وللمظلوم عونا که اصل همبستگی‌بامظلوم ،درراه دفع ظالم رامطرح‌می‌کند .

(۱۲) ـ اشاره‌به‌روایت پیامبرطلب العلم فریضه علی کل مسلم ـ که وجوب سواد را برای تمام افراد مطرح می‌کند .

" پاورقی ها "

۱۱و (۳) وکذلک جعلناکم امه وسطالتکونوا شهداء علی الناس ویکون الرسول علیکم شهیدا .ـ(بقره۱۴۳)

(بدینسان شماراامتی میانه قراردادیم تا گواهان بر مردم باشید وپیغمبر گواهی برشما باشد) .

آیه‌مشخصات یک‌حرکت سازمان‌یافته‌رابامشخص‌نمودن مسیر وهدف‌آن‌مطرح‌میسازد‌در اینجامسیرامت‌وسط است و هدف رسول الله‌که‌مسیر شدن را ازبرای امت‌وسط مطرح مینماید الی‌الله‌مرجعکم‌جمعیا" . (مائده۱۰۵) سوی‌خداست‌بازگشت شماهمگی) که دراین آیه غایت حرکت سازمانی را که الله می‌باشد ، مطرح می‌کند .

(۲)ـ کنتم خیرامه " اخرجت للناس تامرون بالمعروف و تنهون عن المنکر وتومنون‌بالله . (آل‌عمران۱۱۰)

(عمران ۱۱۵) ـ بودید بهترین امتی که برون آورده شدید برای مردم .

امرمی‌کنید به نیکی ونهی میکنید اززشتی وایمان میآورید بخدا .ـ که توجه به آیه مسیرحرکت رامشخص می‌کند .

(۴)ـ ونریدان‌نمن علی الذین استضعفوافی الارض و نجعلهم‌ائمه‌ونجعلهم الوارثین ـ (قصص۵)

نگاهی بشماره قبل

بقیه از صفحه۲

مثلا " آقای بنی‌صدر پیدایش امریکا را دراثر استفراغ اروپا مثال زده‌اند ـ که با اندک توجهی مشاهده میشود که درحقیقت بهم خوردن توازن بین قدرتهای صنعتی متفقین و متحدین و متحدین و متفقین در جنگهای بین الملل اول و دوم موجب‌فروکش کردن قدرت‌اروپاو پیدایی قانون قدرت دیگری‌چون امریکاشد .در ادامه‌همین جمله گفته‌ایم که‌ظهور تصادفی‌مابین‌قدرتهای‌سلطه‌گر وبهم‌خوردن‌توازن‌قدرتهایی جهانی‌زمینه‌ای است‌جهت رهائی ملل تحت سلطه‌ازچنگال سلطه‌گران ، کمااینکه جنگ اول و دوم این چنین امری رادر پی داشت .

سطرآخر ستون‌اول در صفحه ۳ چاپ نشده بود که عبارتست از "در روی زمین فتنه و فسادی برانگیزد . (غافر ـ ۲۶))

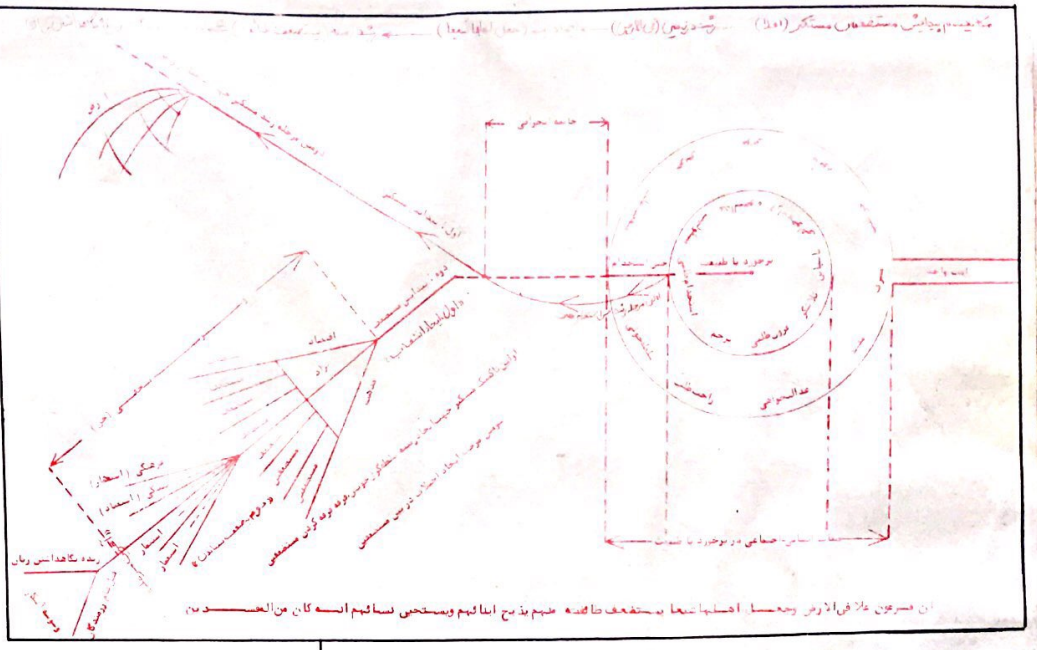

چگونگی پیدایش مستضعفین از دیدگاه قرآن

بقیه از صفحه ۱،

بنابراین نخستین حقیقتی که ازاین بیان قرآن برای ماروشن میشود دست گذاشتن برروی نقطه اصلی انحراف حرکتهای اجتماعی در رابطه با شکل اعتدالی اجتماعی در پیدایش سلطه‌گراست. پس از دیدگاه قرآن عامل اصلی ایجادانحراف در حرکت اعتدالی اجتماع پیدایش سلطه‌جو میباشد، و در رابطه با پیدایش سلطه‌گری است که زیر سلطه شکل مییابد یعنی انحراف اجتماع از شکل اعتدالی آن در رابطه با رشد حس سلطه‌جوئی که زائیدهٔ حس استخدام طلبی انسان است شکل مییابد و پس ازپیدایش این حس است که دینامیسم زیر سلطه شکل میپذیرد. بنابراین با توجه به سرآغاز آیه تقدم رتبطی مستکبر را ازنظر تکوینی در رابطه باپیدایش مستضعف درک میکنیم. پس بایدگفت پیدایش مستکبر درحرکت اجتماعی سرآغاز انحراف اجتماع از شکل اعتدالی خود میباشد وبعد ازمرحله پیدایش مستکبراست که مستکبربرای ارضاء بیشترهواهای نفسانی خویش که عبارت ازتوسعه بیشتر سلطه‌جوئی خوددر زمین میباشد به حرکت خودادامه داده و دراین راه میکوشد تا با تمسک جستن بتمام وسائل ممکن زمینه مناسبی از برای رشد سلطه‌جوئی خویش فراهم سازد و باتوجه به دینامیسم حرکتی سلطه‌گری در می‌یابیم که مهمترین عامل زمینه‌ساز رشدسلطه جوئی مستکبر تخدیرافکار توده‌ای برای جلوگیری از رشد افکار انقلابی که باعث ایجاد مانع یا سدی در راه حرکت روبروشد مستکبر میشود، میباشد.

دومین نکته‌ای که توجه بآیه برای ما روشن میسازد و بیان آن نمیتواندیک شکل تصادفی داشته باشد بیان ارض است که صورت مصروف را در رابطه با حرکت فرعونی بخود گرفته (۱) و با توجه باینکه لام در الارض، لام عهد است و سرزمین زیرسلطه فرعون در رابطه با موسی مصر بوده است و بیان ارض در بیان عرب بیان عامی است که مشمولیت آن نه تنها برمصر است، بلکه عام‌تر از مصر تمام زمین را شامل میشود ـ توجه باین نکته ازآیه است که حرکت ترتیبی پیدایش مستکبر را در رابطه با حرکت اعتدال اجتماع با توجه به مراحل مختلف این حرکت انحرافی درک میکنیم. یعنی در قسمت اول آیه بیانگر مرحله اول پیدایش انحراف (علا) که عبارت از سلطه‌گری، سرآغاز انحراف اولیه اجتماع از شکل اعتدالی خود میباشد و سپس به بیان حد این سلطه‌گری میپردازدکه این حد درصورت ارض که واژه‌ای است که مشمولیت آن تمام زمین را داراست بیان میشود و با توجه باین مفهوم است که ما میتوانیم رشد نامحدود سلطه‌جوئی سلطه‌گر را درصورت فراهم شدن زمینه مناسب رشدی ازبرای حرکت خود دریابیم که این رشدبرای خودحد ومرزی نمی‌شناسدوپیوسته در راه رسیدن بآن آرمانهای نفسانی خویش که سلطه‌گری برزمین است میکوشد تا بهرطریقی شده زمینه این رشد نا محدود خودرا فراهم سازد، پس ظرف زمین در اینجا معرف حد اعلائیت فرعون که تجلی سلطه‌جوئی سلطه‌گران میباشداین حقیقت را روشن میسازد که با توجه به پروسه پیدایش سلطه جوئی که در رابطه با حس استخدا طلبی یک بعدی شدن نفس دربرخوردباطبیعت برای مسلط شدن برآن شکل میپذیرد نشان دهند. این حقیقت است که رشد حس استخدام طلبی انسان در رابطه ارگانیکی با شکل سلطه‌جوئی (۲) میباشد.

(۱)ـ اشاره به مضروف بودن زمین در رابطه با قواعدعربی است که (فی) حرف ظرف است که چون برسر ارض آمده آنرا مضروف ساخته.

(۲)ـ در اینجا باید تفاوت بین حس سلطه‌جوئی و حس استخدام طلبی انسان را در رابطه با طبیعت واجتماع در نظر داشته باشیم زیرا حس استخدام طلبی که زیر بنای تکوینی حس سلطه‌جوئی و در رابطه با تسخیر طبیعت است که شکل می‌یابد. اما سلطه‌گری در رابطه باسلطه‌گری براجتماع درصورت استقرارتسلط انسان برطبیعت شکل می‌یابد. یعنی استخدام طلبی در رابطه با طبیعت است اما سلطه‌گری در رابطه با اجتماع می‌باشد.

ادامه دارد

توضیحات زمینهٔ آرم سازمان:

۱ـ آیه: سوره بقره آیه ۱۴۳ ترجمه: "بدینسان گردانیدیم شمارا امتی میانه تاباشیدگواهانی برمردم و باشدپیامبرگواهی برشما".

آیه بیانگرمسائل زیراست: الف ـ درجریان حرکت اسلامی جهت تحقق آرمانهای توحیدی، جامعه احتیاج به دسته یاگروهی بعنوان پیشگام داردکه تحت لوای مکتب اسلام جامعه رابسمت تحقق آرمانهای توحیدی هدایت کند. (۱)

ب ـ پیشگامان حرکت جامعه می‌بایست خود، پس گامان حرکت رسول الله (ص) باشند، یعنی کل جریان حرکتی آنهادررابطه باجامعه خودبایدمنطبق باشدباجرایان حرکتی پیامبردررابطه با جامعه اسلامی زمان خودش. (۲)

ج ـ جامعه اسلامی، می‌بایست درحرکت خودتحت لوای پیشگامان، امت نمونه‌ای شوندبرای تمام مردم جهان.

۲ـ نام سازمان: باتوجه به مفاهیم ذکرشده درآیه، جامعه اسلامی درحرکت خویش جهت رسیدن به مقام امامت درزمین وسپس وراثت درآن (۳)، احتیاج به دسته یاگروهی داردکه بتواند جامعه رابرطبق تئوریهای مکتب بحرکت در آورد و الگوی عملی آن تئوریهای رابرای خویش "رسول الله (ص)" انتخاب کند.

۳ـ مدارهای کره زمین: دلالت بر همگانی بودن (۴) دعوت اسلام جهت تحقق امامت ووراثت مستضعفین برزمین دارد.

۴ـ نقشه ایران: بیانگرسرآغاز این حرکت است که با پشتوانه‌ئی مستضعفین این قطعه از زمین، عملی میشود.

۵ـ مشتهای درون نقشه ایران: بیانگر پشتوانه این حرکت است که مستضعفین این قطعه اززمین آن راتشکیل میدهند.

۶ـ مشتهای خارج ازنقشه ایران: دلالت بر به‌خود آگاهی رسیدن مستضعفین خارج ازاین قطعه از زمین دارد که این خودآگاهی تحت لوای پیام زائیده خون مشتهای داخل نقشه توسط پیشگام انتقال می‌یابد. یعنی پیشگام واسطه بین دودسته ازمشتها دریک رابطه حرکتی میباشد. البته این امر بیانگوی این نیست که مستضعفین دیگرنقاط زمین اکنون به‌خودآگاهی رسیده‌اند بلکه بیانگوی فلسفه حرکتی سازمان میباشد.

۷ـ سیمای زن ومردکه مسلح به کتاب و پیام و خون هستند (۵)، نشان دهنده حرکت پیشگام درمسیربحرکت درآوردن مستضعفین جامعه میباشد. که نوع استراتژی انتخابی آنها باتوجه به حرکت مستضعفین، دررابطه باقرآنی است که در دست دارند. ودست، اتصال قلم واسلحه راباقرآن مطرح میکند وقرآن حرکت زمانی این دواستراتژی (خون ـ پیام) رامشخص میسازد.

۸ـ زن ومرد مسلح به قرآن وقلم وسلاح، بیانگر مبتنی بودن حرکت سازمان برتئوریهای قرآن است، وقرآن مسئولیت حرکت پیشگام را بطور مساوی در رابطه با زن و مرد مطرح میسازد وتنها مسئلهٔ چگونگی انجام مسئولیت توسط آنها است که باتوجه به ظرفیت وجودی هرکدام تفاوت پیدامیکند. (۶)

۹ـ قرآن و سلاح: که قرآن بیانگر اولین قسمت از حرکت سه مرحله‌ای سازمان یعنی مرحله عقیدتی میباشد. (۷) و سلاح که به دوقسمت پیام (درون قلم) وخون (درون اسلحه) تقسیم میشود، بیانگر دومرحله دیگرحرکت سازمان یعنی سیاسی ونظامی میباشد.

واین صورت سه مرحله‌ای باتوجه به صورت حرکت سه مرحله‌ای رسول الله (ص) که می بایست الگوی عملی از برای حرکت سازمان باشد شکل یافته است که مرحله اعتقادی رسول الله (ص) نزول وحی درشکل قرآن بود ودومرحله دیگر حرکت آن حضرت درشکل مبارزات مکی ومدنی تجلی کرده است. که مکی ۱۳ سال بطول انجامیددوره پیام بوداز برای خود آگاه کردن مستضعفین ودوره مدنی که ۱۰ سال بطول انجامید دوره مبارزه بود جهت تحقق اراده خداوند در زمین (۸). بنابراین سلاح دررابطه با قرآن نشان دهنده حرکت کلی سازمان میباشد، که قرآن بیانگر مرحله عقیدتی سازمان است وقسمت راست اسلحه که باگره بندی بصورت خون در آمده، شکل استراتژی مسلحانه رادررابطه باحرکت مستضعفین مطرح میکند وقسمت چپ سلاح که شکل قلم بخود گرفته و کلمه پیام درآن منقش است بیانگر استراتژی پیام دررابطه باحرکت مستضعفین میباشد.

۱۰ـ کیفیت قرارگرفتن سلاح در دست رزمندگان پیشگام: مشت که دروسط اسلحه قراردارد، درون نقشه ایران است وبیانگر ارتباط مبارزاتی بامشتهای مستضعفین داخل نقشه است. انتهای سلاح در سمت راست بطرف بیرون موضع گرفته وآماده برای دفع تمام دسیسه های استعمارگران میباشد قنداقه تفنگ که بصورت قلم درآمده خونی راکه ازمستضعفین ایران در راه دفع سلطه گران زمین، بدست آورده است، مرکب خودکرده وبصورت پیام به مستضعفین دیگرنقاط زمین منتقل میکند، وبهمین جهت انتهای قلم ازنقشه ایران بیرون است

۱۱ـ تاریخ: نشان دهنده سال تاسیس سازمان است در تابستان ۱۳۵۵

تبصره: اعضای سازمان رزمندگان پیشگام مستضعفین ایران بهیچ وجه مدعی دارابودن خصلتهای عملی رسول الله (ص) نیستند، بلکه فقط مدعی این هستند که درضمن تلاش وحرکت خویش میکوشندتابتواند خصلتهای عملی آن حضرت راکسب کنند. بنابراین انتخاب نام سازمان همانطور که دربیان آیه مطرح شد فقط بعنوان یک ضرورت حرکتی بر طبق تئوریهای مکتب است. (۹)

پاورقی ها

(۱) ـ که عین همین مطلب درآیات ۱۰۴ـ و ۱۱۰ سوره آل عمران مطرح شده است. بترتیب ولتکن منکم امه یدعون الی الخیرویامرون بالمعروف وینهون عن المنکرواولئک لهم عذاب عظیم ـ وباید باشد ازشماگروهی که دعوت کنند به نیکی وامرکنند بخوبی ونهی کنندازبدی، وآنانندرستگاران کنتم خیرامه اخرجت للناس تامرون بالمعروف وتنهون عن المنکرولو بالله و نوامن اهل الکتاب لکان خیرا" لهم منهم المومنون واکثرهم الفاسقون ـ بودید بهترین امتی که برون آورده شدید برای مردم، امرمیکنید به نیکی ونهی میکنید اززشتی، وایمان میآوریدبخداواگرایمان میآوردنداهل کتاب همانا بهتر بود ایشانرا، از ایشانند ایمان آرندگان و بیشترایشان هستندفاسقین.

(۲) و (۹): که همین حقیقت را امام در خطبه ۲۲۶، نهج البلاغه فیض الاسلام یا ۲۳۵ صبحی صالح بدین شکل مطرح میکند: "خصصت حتی صرت مسلیا" عمن سواک، و عممت حتی صارالناس فیک سواء"

معنی: خصوصیت تو (رسول الله (ص)) اینطور بود که بواسطه آن ازدیگران جدا گردیدی وناس برای شدن جهت رسیدن به تومساویند" ونیز آیه ۲۱ سوره احزاب: "لقد کان لکم فی رسول الله اسوه حسنه لمن کان یرجوالله والیوم الاخروذکرالله کثیرا" ـ همانا شمار است دررسول خداپیرویی نکو، برای آن که امیددارد به خدا و روز بازپسین را ویاد کند خدارابسیار.

(۳) و (۸) ـ اشاره به آیه ۵ سوره قصص: ونریدان نمن علی الذین استضعفوا فی الارض ونجعلم ائمه ونجعلم الوارثین وخواهیم منت نهیم برآنانکه ناتوان گرفته شدند در زمین و بگردانیمشان پیشوایانی و بگردانیمشان ارث برندگان

(۴): وماارسلناک الاکافه للناس بشیرا" ونذیرا" ولکن اکثرالناس لایعلمون (سبا ۲۸): و نفرستادیم ترا مگر برای همه مردم، مژده دهنده وترساننده، ولیکن بیشتر مردم نمیدانند.

(۵) و (۷)

لقدا رسلنا رسلنا بالبینات وانزلنا معهم الکتاب والمیزان لیقوم الناس بالقسط وانزلناالحدید فیه باس شدید ومنافع للناس ولیعلم الله من ینصره ورسله بالغیب ان الله قوی عزیز (حدید ۲۵).

همانا فرستادیم پیامبران خویش رابنشانیها وفرستادیم با ایشان کتاب و ترازو را تا قیام کنند مردم بداد، وفرستادیم آهن راکه درآن نیروئی است سخت وسودهائی برای مردم وتابداند خداآنراکه یاری کند او و فرستادگانش راپنهان، همانا خدا است توانای عزتمند.

(۶): نسا ـ ۳۲: للرجال نصیب مما اکتسبوا وللنساء نصیب مما اکتسبن وسئلوا الله من فضله ان الله کان بکل شئی علیما. مردان راست بهره از آنچه کسب کردند وزنانرا است بهره ازآنچه کسب کردند وبخواهید خدا رااز فضلش همانا خدا است بهمه چیز دانا.

آرمان مستضعفین

۱۰ روز یکبار منتشر میشود